



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران
دانشکده پرستاری و مامایی

عنوان:

بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی بر خودپنداره و خودکارآمدی بیماران مبتلا به

مالتیپل اسکروزیس

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در

رشته پرستاری، گرایش داخلی - جراحی

نگارنده:

محمد صابر شعله ور

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر زهرا رود دهقان

اساتید مشاوره:

سرکار خانم ثریا نجاتی

سرکار خانم دکتر فتانه قدیریان

سرکار خانم شیما حقانی

سال ۱۳۹۷

چکیده

عنوان: بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتي بر خودپنداره و خودکارآمدی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس

زمینه و هدف: بیماری مالتیپل اسکلروزیس^۱ از جمله بیماری های مزمن سیستم عصبی مرکزی است که عوارض جسمی و روحی زیادی برای بیمار ایجاد می کند. خود پنداره و خود کارآمدی دو مولفه مهمی هستند که در بیماری مالتیپل اسکلروزیس تحت تاثیر قرار می گیرند. امروزه یکی از راه های کاهش عوارض بیماری، آموزش خود مراقبتي می باشد. مطالعه حاضر به منظور تعیین تاثیر آموزش خود مراقبتي بر خود پنداره و خودکارآمدی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس انجام شده است.

روش تحقیق: مطالعه حاضر کارآزمایی بالینی تصادفی به روش پیش آزمون _ پس آزمون با دو گروه مداخله و کنترل می باشد. جامعه آماری شامل ۹۰ بیمار مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس عضو انجمن ام اس ایران است که از طریق جدول اعداد تصادفی به دو گروه ۴۵ نفره آزمون و کنترل تقسیم شدند. در ابتدا پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه‌ی خود پنداره راجرز^۲ و پرسشنامه‌ی خودکارآمدی (مقیاس خودکارآمدی عمومی) شرر^۳ توسط هر دو گروه تکمیل شد، سپس در گروه مداخله، برنامه توانمند سازی خودمراقبتي ارائه شد. هشت هفته بعد مجددا پرسشنامه‌ی خود پنداره و پرسشنامه‌ی خودکارآمدی در هر دو گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. داده ها پس از جمع‌آوری شدن توسط نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: پیش از انجام آزمون میانگین نمره خودپنداره راجرز در دو گروه مداخله و کنترل به ترتیب ۱۱/۳۴ و ۱۱/۰۹ بود و پس از انجام آزمون میانگین نمره خودپنداره راجرز در دو گروه مداخله و کنترل به ترتیب به مقادیر ۸/۲۶ و ۱۰/۸۲ تغییر یافت. این تغییر از لحاظ آماری معنادار شد ($p=0/001$). همچنین میانگین نمره خودکارآمدی شرر در دو گروه مداخله و کنترل پیش از انجام آزمون به ترتیب ۶۰/۲۷ و ۵۹/۰۷ است و دو گروه از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند ($p=0/48$). با این حال، پس از انجام مداخله، میانگین نمرات خودکارآمدی شرر در دو گروه مداخله و کنترل به ترتیب ۶۳/۷۳ و ۵۹/۲۱ بود و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بود ($p=0/002$).

^۱ Multiple Sclerosis

^۲ Rogers Self-concept scale

^۳ Sherer Self Efficacy Questionnaire

نتیجه گیری: در این مطالعه اجرای برنامه آموزشی خود مراقبتی بر خودپنداره و خودکارآمدی بیماران ام اس موثر بود. بنابراین اجرای برنامه آموزشی خود مراقبتی به بیماران ام اس در سطح گسترده و به موازات درمان های رایج سیستم بهداشتی، می تواند اثربخشی بیشتری در بهبود خودپنداره و خودکارآمدی بیماران داشته باشد.

کلید واژه: مالتیپل اسکلروزیس، خود مراقبتی، خودپنداره، خودکارآمدی، پرستاری



**Tehran University of Medical Sciences
School of Nursing and Midwifery**

Title:
**The effect of Self-Care Education on Self-Concept
and Self-Efficacy in Patients with Multiple Sclerosis**

A thesis submitted as partial fulfillment of the requirements for Master of
Science (MSc) in Medical Surgical Nursing

By:
Mohammad Saber Sholehvar

Supervisor:
Dr. Zahra Rood Dehghan

Consultants:
Mrs. Soraya nejati
Dr. Fataneh Ghadirian
Mrs. Shima Haghani

Abstract

Objective: The MS patient independence and ability to participate effectively in the family and community is threatened and leads the patient to a sense of lack of merit and self-confidence. Hence, one of the effective ways to rehabilitate MS patients is to train them to reduce disease complications, educate self-care and adapt to new conditions.

Methods: The present study was a randomized clinical trial (RCT) and pretest-posttest with two intervention and control groups. Samples are randomly selected using random numbers sampling; the participants were divided into two groups of 45 people. Demographic questionnaire, self-concept questionnaire, and GSER self-efficacy questionnaire (General Health Efficiency Scale) were completed before and after intervention in both groups. Data were analyzed by SPSS software V22.

Results: Before the intervention, mean score of self-concept in the intervention and control groups was 11.34 and 11.09, respectively. After the intervention, the mean score of self-concept in the intervention and control groups was 12.26 and 10.28, respectively has done. This change was statistically significant ($p = .001$). Also, the mean of self-efficacy score in the intervention and control groups before and after the intervention was 60.27 and 59.07, respectively, and the two groups did not have a statistically significant difference ($p = .48$). However, after performing the test, the mean score of Sherer's self-efficacy in both intervention and control groups was 63.73 and 59.21, respectively, and this difference was statistically significant ($p = .002$).

Conclusion: In this study, the implementation of self-care education on self-concept and self-efficacy of MS patients is effective. Therefore, self-care education curriculum is recommended as an effective factor in increasing self-concept and self-efficacy of MS patients. Therefore, the implementation of self-care curriculum for MS patients in a broad and effective manner with common health therapies can be more effective in improving self-concept and self-efficacy of patients.

Keywords: Multiple sclerosis, Self-care, Self-efficacy, Self-concept